

## نگرش به بزهکاری و سبک‌های هویت در نوجوانان دارای والدین مطلقه و عادی

ام البنین باقرنژاد<sup>۱</sup>: دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری  
اصغر نوروزی: دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سوادکوه  
محسن اسماعیلی: کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان

**مقدمه:** خانواده نخستین و مهم‌ترین واحد زیستی، انسانی در جوامع گوناگون بشری است. فضای عاطفی، ارزش‌های اساسی و چگونگی ارتباطات حاکم در خانواده بر نحوه شکل‌گیری استوانه‌های شخصیتی اعضای آن تأثیرات ژرف و پایدار دارد. یکی از نهاد‌های بنیادین حفظ و تربیت انسان، خانواده است که در آن کودکان با یادگیری ارزش‌ها، هنجارها و تربیت روانی مناسب برای ایفای نقش مثبت در بزرگسالی آماده می‌شوند. مهمترین عامل فروپاشی این نهاد ارزشمند متارکه یا طلاق است. به دنبال طلاق و از هم گسیختگی شبکه اجتماعی خانواده، این احساس در فرزند ایجاد می‌شود که مورد پذیرش، حمایت و احترام نیست. لذا می‌تواند زمینه را برای مشکلات عاطفی و رفتاری فراهم سازد. با توجه به مقدمه بیان شده، پژوهش حاضر با هدف مقایسه نگرش به بزهکاری و سبک‌های هویتی (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم) در میان نوجوانان دارای والدین مطلقه و عادی و همچنین بررسی رابطه این متغیرها با یکدیگر، در سال ۱۳۹۴ در شهرستان بابل انجام گرفته است.

**روش:** روش پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه بوده است. جامعه آماری شامل کلیه نوجوانان سال اول و دوم دبیرستان در شهرستان بابل بوده اند که از این جامعه تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ دختر، ۵۰ پسر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی و نگرش به بزهکاری، بوده است که دارای اعتبار و روایی مطلوبی می‌باشند.

**یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل آمستقل نشان دادند که نگرش به بزهکاری و سبک‌های هویت، هنجاری و سردرگم در بین نوجوانان دارای والدین مطلقه و عادی، دارای تفاوت معنی‌داری می‌باشد و نوجوانان دارای والدین مطلقه از میانگین بیشتری برخوردار بوده‌اند. همچنین نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان دادند که بین نگرش به بزهکاری و سبک‌های هویت هنجاری/سردرگم رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یعنی اینکه با افزایش نگرش به بزهکاری، هویت هنجاری/سردرگم نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

**نتیجه گیری:** انحراف اجتماعی و بزهکاری در بین جوانان به عنوان مشکلی اجتماعی، می تواند موجب ناامنی و بی نظمی گردد. گسترش انحرافات در جامعه و تعمیق آن در بین گروه های مختلف جوانان و نوجوانان تبدیل به ارزشهای فرعی در جامعه شده و به تدریج ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه را سست خواهد ساخت. در این میان تعارضات والدینی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اثرات زیان آوری که اختلافات و تعارضات بین والدین بر خانواده و اعضای آن می گذارد، از موضوع های مهم جامعه شناسی خانواده به شمار می آید. گسیختگی والدینی دارای دامنه ای وسیع از نتایج منفی بر فرزندان، هم از جهت برون سازی و هم از جهت درون سازی می باشد. بر هم خوردن روابط عاطفی و احساس ناامنی منتج از تعارضات والدین می تواند امنیت شخصی فرزندان و هم چنین، روابط آن ها با والدینشان را به خطر اندازد. لذا این تعارضات می توانند برای فرزندان بسیار آزاددهنده باشند و آن ها سعی خواهند کرد برای کاهش تنش های ناشی از آن از راهای گوناگون به مقابله برخیزند. در صورتی که یک راه یا وسیله بتواند موجب کاهش تنش در درون آن ها و یا محیط پیرامونی شان شود، این امکان وجود دارد تا در موارد مشابه مورد استفاده قرار گیرند. یکی از راههای مقابله ای غیر سازنده با مشکل تعارضات والدینی که می تواند از رفتار آن ها نیز الگو بگیرد، رفتارهای پرخاشگرانه با دوستان و به گونه ای وسیع تر بزهکاری است. یافته های این تحقیق نشان دادند که نگرش به بزهکاری و سبک هویت هنجاری و سردرگم در بین نوجوانان دارای والدین مطلقه بیشتر می باشد. خانواده هایی که در آن ها تعارضات زیاد است، به احتمال قوی نمی توانند رفتارهای مناسب اجتماعی را به فرزندانشان آموزش دهند. نظم و ثبات در خانواده و حفظ کانون گرم خانواده و کاهش تنش های موجود در خانواده به همراه دلبستگی فرزندان به والدین از عوامل مهم کاهش میزان بزهکاری نوجوانان است. بنابراین با اطلاع رسانی به والدین و خانواده ها و اینکه طلاق تا چه اندازه می تواند در سبک زندگی و سلامت فرزندان، تاثیر گذار باشد؛ می توان گام مهمی در جهت ارتقای سلامت خانواده و متعاقب آن جامعه، برداشت.

**واژه های کلیدی:** سبک های هویت، نگرش به بزهکاری، نوجوانان.